



تقدیرگاہ ابن عبدالوہاب از کتاب  
مجموعۃ التوحید

\* حسین رجبی



### ◆ چکیده

در این نوشتار به بررسی و ارزیابی کتاب *مجموعه التوحید* پرداخته‌ایم. این اثر تمام نوشته‌های محمد بن عبدالوهاب و برخی از نوشته‌های ابن تیمیه را جمع‌آوری کرده است. روشن است که نخستین بحث درباره توحید و شرک است. تعریف عبادت، توحید و اقسام آن از مباحث مهمی است که در گفتار نخست او مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلیدواژگان:** توحید، عبادت، شرک، ربوبیت، الوهیت، محمد بن عبدالوهاب.



## ◆ مقدمه

برای شناخت هر مذهبی شایسته است که به جای رجوع به گفتار و نوشتار دیگران، به گفتار و نوشتار علما و سردمداران آن گروه رجوع کرد و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و آن گاه به داوری درباره‌اش پرداخت تا افزون بر شناخت صحیح آن فرقه، منصفانه داوری شود، ولی متأسفانه در طول تاریخ به دلیل بهره‌گیری از روش‌های ناصحیح در کتاب‌های ملل و نحل و تاریخ مذاهب به برخی از مذاهب ظلم شده است و تهمت‌ها و دروغ‌هایی را نسبت داده‌اند که با مراجعه به منابع اصلی این حقیقت تلخ به خوبی روشن می‌شود. یکی از مذاهبی که در طول تاریخ مورد هجمه‌های غیر منصفانه و ظالمانه قرار گرفته است، مذهب شیعه است. پیروان مذهب شیعه می‌توانستند مقابله به مثل کنند، ولی هرگز از راه غیر صحیح داوری نکردند، بلکه از راه تبیین دیدگاه‌های مذهب شیعه به پاسخ‌گویی پرداختند و گاه این پاسخ‌ها برگرفته از متون و منابع کسانی است که شیعه را مورد هجوم قرار داده‌اند. از گروه‌هایی که امروزه تمام امکانات خود را در جهت مقابله و نابودی اسلام واقعی قرار داده، وهابیت است که با راه‌ها و دلایل غیر منطقی با شیعه امامیه مبارزه می‌کند؛ در حالی که اگر فرقه‌های اسلامی براساس اصول قرآنی با یکدیگر احتجاج کنند، نتیجه بسیار بهتری می‌تواند بگیرند. از این رو نویسندگان و گویندگان مخالف وهابیت اعم از شیعه یا اهل سنت با توجه به آیه شریفه ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ ﴿۱۷﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾<sup>۱</sup> نیکو است با مطالعه و بررسی گفتار و نوشتار سران این فرقه به ارزیابی و داوری درباره آنان پردازند. این مقاله نیز درصدد است با رجوع به کتاب‌های وهابیان به‌ویژه محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه افکار و اندیشه‌های آنان را برای علاقه‌مندان بیان کند تا به خوبی بتوانند درباره این فرقه داوری کنند. از این جهت ابتدا کتاب مجموعه التوحید را که نوشته‌های محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه را در بردارد، مرور می‌کنیم و با استفاده از مبانی و اعتقاداتی که خودشان پذیرفته‌اند، به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

کتاب فوق دارای رساله‌ها و کتاب‌های گوناگونی از پایه‌گذار فرقه وهابیت یعنی محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه است که مطالب بیان‌شده شباهت زیادی به یکدیگر دارند و سعی ما این است آنها را جمع‌بندی و سپس آن را ارزیابی کنیم.

### ♦ توحید از دیدگاه ابن عبدالوهاب

در رساله نخست پس از آیه ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾<sup>۱</sup>

می‌نویسد:

و العبادة هي التوحيد؛ لأنَّ الخصومة بين الأنبياء و الأمم فيه؛ كما قال تعالى: ﴿ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلُوتَ ﴾<sup>۲</sup>. و أما التوحيد فهو ثلاثة أنواع: توحيد الربوبية، توحيد الإلهية و توحيد الأسماء و الصفات.<sup>۳</sup>

### ♦ مطلب نخست

محمد بن عبدالوهاب در این عبارت درباره توحید عبادی، اهمیت آن، و یکی از رسالت‌های مهم پیامبران سخن گفته است؛ چنان‌که آیات دیگر به اقسام دیگر توحید نظیر توحید ربوبی، افعالی و غیر آن پرداخته و یا رسالت انبیا را اقامه قسط و عدل معرفی کرده است. پس منحصر کردن رسالت پیامبران الهی در توحید عبادی و از سویی دیگر انحصار عبادت به توحید آن‌هم به نحو مطلق معنا کردن، مخالف آیات دیگری است که درباره رسالت پیامبران و انواع دیگر توحید سخن گفته‌اند. سؤال دیگر از ابن عبدالوهاب این است که توحید را به سه نوع تقسیم کرده‌ای و یکی از سه نوع را توحید الوهیت که همان عبادت و عبودیت است، دانسته‌ای و از

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره نحل، آیه ۳۶.

۳. مجموعه التوحید، ص ۵.

سویی توحید را عبادت می‌دانی؛ آیا صحیح است که مقسم را که توحید عبادی است، به سه نوع تقسیم کنید و یکی از آن سه نوع توحید عبادی باشد (توحید الوهی یعنی عبودی)؟ آیا مقسم را در قسم داخل کردن، از نظر منطقی باطل نیست؟ باید مقسم جامع بین اقسام باشد و از عبارات کتاب مذکور خلاف آن استفاده می‌شود.

سؤال دیگر: به چه دلیل توحید را به سه نوع تقسیم کرده‌ای؟ شما ادعا می‌کنید عقاید خود را از قرآن و سنت صحیح اخذ کرده‌اید، در کدام یک از آیات قرآن یا احادیث صحیح این تقسیم‌بندی آمده است؟<sup>۱</sup>

قرآن کریم کتاب توحید است؛ زیرا توحید حقیقت دین است. از این رو قرآن ابعاد مختلف دین را که حقیقت توحید است، بیان کرده است و در طول تاریخ علما به تبیین دین و توحید پرداخته‌اند. روشن است که در پردازش توحید چاره‌ای جز تقسیم‌بندی یا مرحله‌بندی ندارند و این تقسیم‌بندی وحی مُنزل نیست، بلکه آن را از آیات قرآن استفاده کرده و نام خاصی را بر آن نهاده‌اند. برای نمونه:

از ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ توحید در ذات و توحید صفاتی را استفاده کرده‌اند، و از ﴿اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ﴿۱﴾ توحید در خالقیت، از ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۱﴾ توحید ربوبیت و همچنین توحید افعالی، توحید عبادی و دیگر مراتب توحید توحید در مالکیت و ... را از آیات قرآن استفاده کرده‌اند. از این رو دلیلی بر سه قسم یا کمتر وجود ندارد.

افزون بر این در سنت هیچ‌یک از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام صحابه نیز این تقسیم‌بندی وجود ندارد. از این رو این تقسیم با روش سلف مخالف است که بر آن تأکید کرده و داوری‌های خود را در صحت و فساد مذاهب و عقاید روش سلف قرار داده‌اید. پس شما بر خلاف مبنای خودتان عمل کرده‌اید.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: التندی بمن عدد التوحید نوشته حسن سقاف.

۲. سوره توحید، آیات ۱ و ۲.

## ◆ مطلب دوم

ابن عبدالوهاب درباره نوع اول که توحید ربوبیت است، می‌نویسد:  
فهو الذي أقرّ به الكفار على زمن رسول الله ﷺ و لم يدخلهم في الإسلام و قاتلهم رسول الله و استباح دماءهم و أموالهم و هو توحيدہ بفعله تعالی و الدلیل قوله تعالی: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنْ أَسْمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ﴾<sup>۱</sup>.

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup> سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۸۹﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۹۰﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ<sup>۳</sup>.

در این قسمت به جای آن که به تعریف توحید ربوبی بپردازد و نتیجه‌گیری کند، می‌گوید: کافران و مشرکان توحید ربوبی را قبول داشتند و این پذیرش آنان را داخل اسلام نکرد و از این رو رسول خدا با آنان جنگ کرد و مالشان را مباح دانست. نکته نخست: بدون تردید یکی از مطالبی که از این آیات استفاده می‌شود این است که توحید ربوبی از شئون مراتب توحید و یگانگی خداست و در این هیچ‌گونه اختلافی وجود ندارد، اما این آیات هیچ‌گونه دلالتی بر مدعای ابن عبدالوهاب ندارند بلکه از یک واقعیت خبر می‌دهند و آن پذیرش توحید ربوبی است. اگر کسی بگوید از روش پیامبر اسلام در جنگ با کافران می‌توانیم مباح شمردن مال و جان آنان را

۱. سوره یونس، آیه ۳۱.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۸۴-۸۹.

۳. مجموعه التوحید، ص ۵.

استفاده کنیم، باید گفت اولاً، روش پیامبر اسلام ﷺ هرگز این نبود که به صرف مخالفت با آن حضرت قتل را واجب بشمرد، بلکه گاهی اصحاب را از قتل آنان باز می‌داشت، البته به استثنای شرایطی که اتمام حجت شود و آنان باز لجاجت کنند. ولی گاهی که نمی‌پذیرفتند، حضرت با آنان مصالحه می‌کرد؛ نظیر جریان مباحله.

افزون بر این، دستورهای پیامبر اکرم ﷺ وحی می‌باشد و مخالفت با آن موجب کفر است اما گفته‌های محمد بن عبدالوهاب که وحی نیست تا مخالفت با آن کفر تلقی شود، مگر آنکه خودش را پیامبر بداند. برداشت‌های او اجتهادی است و بر مجتهد دیگر لازم نیست اجتهادات او را بپذیرد.

نکته دوم: گرچه از این آیات استفاده شده که مشرکان توحید ربوبی را قبول داشتند و به آن اعتراف کردند، اما اگر در آیه دقت شود، خلاف این مطلب را می‌توان استفاده کرد؛ زیرا خدا می‌فرماید: اگر از آنان بپرسید که چه کسی مدبر عالم و رب آسمان‌ها و زمین است، به زودی می‌گویند؛ خدا. این پرسش دلیل بر آن است که مشرکان ربوبیت خدای واحد را باور نداشتند و شاهدش این است که در آیات می‌فرماید: ﴿سَيَقُولُونَ﴾، نفرمود «يقولون». معنای آیه این است که اگر از آنان بپرسید و برای آنان توضیح دهید و فطرت آنان را بیدار سازید، به ربوبیت خدا اعتراف می‌کنند و ربوبیت دیگران را کنار می‌گذارند. پس آیات می‌فرمایند: به زودی اعتراف خواهند نمود، نه این‌که بلافاصله اعتراف کنند و یا از قبل اعتراف داشتند. بنابراین مشرکان در صدر اسلام ربوبیت غیر خدا را باور داشتند و تدبیر، رزق و روزی، مرگ و حیات را به دست غیر خدا می‌دانستند. روشن است که این باور برای غیر خدا موجب شرک است، البته به این شرط که بدون اذن الهی و یا عنایت خاصه او باشد، اما در صورتی که خدا این‌گونه تدبیرها را به پیامبری از پیامبران خود بدهد؛ مانند حضرت عیسی و یا به فرشتگانی که از آنان به «مدبرات امر» یاد می‌شود، موجب شرک نمی‌شود.

## ◆ مطلب سوم

در نوع دوم توحید (توحید الالهیه) می‌نویسد:

هو توحید الله بأفعال العباد كاللذراء والنذر والنحر والرجاء والخوف والتوكل والرغبة والرهبه. و دليل الدعاء قوله تعالى: ﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ... ﴾<sup>۱</sup> و كل نوع من هذه و الأنواع دليل من القرآن. و أصل العبادة تجريد الإخلاص لله تعالى وحده و تجريد المتابعة للرسول، قال تعالى: ﴿ وَأَنْ أَلْمَسْنِجِدَ لَلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴾<sup>۲</sup>. ﴿ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴾<sup>۳</sup> و قال تعالى: ﴿ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴾<sup>۴</sup>.<sup>۵</sup>

نکته نخست: در این قسمت نیز بدون آنکه از عبادت تعریف جامع و روشنی را ارائه کند، به مصادیق و برخی از عبادات می‌پردازد و چند آیه قرآن در اثبات اینکه دعا عبادت است، ذکر می‌کند. البته وی در اینجا عبادت را به «تجريد الاخلاص لله تعالى و تجريد المتابعة للرسول» معنا کرده است.

برای روشن شدن بحث لازم است دو مطلب روشن شود: ۱. عبادت چیست؟ ۲. عبادت به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

در تعریف یک لفظ آن هم لفظ قرآنی و روایی، ملاک‌هایی لازم است تا بر اساس آنها نظر شارع مقدس مشخص شود؛ نظیر این که مسافر به چه کسی گفته می‌شود که در روایات تعریف شده است. اگر در شرع نباشد، عرف مردم از آن لفظ چه می‌فهمند.

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره جن، آیه ۱۸.

۳. سوره رعد، آیه ۱۴.

۴. سوره لقمان، آیه ۳۰.

۵. مجموعه التوحید، ص ۶.



در مرحله سوم مرجع، لغت و لغویان می‌باشند. در غیر این سه صورت، اگر کسی برداشت خودش را از یک لفظ ارائه دهد، بدون این که با سه ملاکی که ذکر شد مطابقت داشته باشد، سخن او پذیرفته نیست و از آن به تفسیر به‌رأی یاد می‌شود؛ مثل این که کسی معاد را به جامعه توحیدی بی‌طبقه تعریف کند. ابن‌عبدالوهاب به جای تعریف عبادت بر اساس ملاک‌های سه‌گانه به تعریف ناقصی از عبادت پرداخته که با هیچ‌یک از ملاک‌های مورد قبول مذاهب منطبق نیست. آیا تعریف عبادت به: «تجريد الاخلاص لله و تجريد المتابعة للرسول»، صحیح است؟ اولاً، اخلاص عمل برای خدا و رهایی از ریا از شرایط عبادت است، به این معنا که عبادت، وقتی صحیح و مقبول است که از این شرط برخوردار باشد. ثانیاً، در برخی اعمال عبادی نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر چنانچه بدون اخلاص انجام گیرند، به‌وظیفه عمل کرده است. آیا شستن نجاست از مسجد یا از لباس نمازگزار که بر مکلف واجب است عبادت به معنای اعم به‌شمار نمی‌آید؟ پس در برخی اعمال عبادی، قصد قربت شرط است و در برخی دیگر، بدون قصد قربت، امتثال تحقق پیدا می‌کند؛ هر چند در صورت وجود قصد قربت و اخلاص این اعمال ارزش بیشتری پیدا می‌کنند که از این تقسیم‌بندی به تبعی و توصلی یاد می‌شود.

ثالثاً، در تعریف شما بر طبق مبنای خودتان یک نوع شرک وجود دارد؛ زیرا عبادت «تجريد المتابعة للرسول» چیست؟ اگر عبادت «تجريد اخلاص لله» است، چرا جمله «تجريد المتابعة» اضافه شده است و اگر عبادت «تجريد المتابعة للرسول» است با «تجريد المتابعة لله» سازگاری ندارد؛ چون بر طبق مبنای خودتان نباید غیر از خدا را در کنار خدا قرار دهید. اگر گفته شود که فقط از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متابعت کنید، چگونه با تجريد اطاعت از خدا سازگاری دارد؟ البته پاسخ از نظر ما روشن است؛ زیرا ما متابعت از پیامبر را متابعت از خدا می‌دانیم، چنان که درخواست و توسل به ایشان را درخواست و توسل به خدا می‌دانیم، اما شما که هر گونه واسطه‌ای را هر چند غیر استقلالی باشد، شرک می‌دانید، نباید این گونه تعریف کنید، بلکه باید بگویید: «تجريد المتابعة لله».

رابعاً، عبادت بر اساس آیات قرآن، روایات، لغت و عرف عبارت است از بندگی. به عبارت دیگر، اظهار نیاز و فقر در برابر موجود بی‌نیاز: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾<sup>۱</sup> و این معنا در کتب لغت به معنای خضوع و تذلل آمده است<sup>۲</sup> که همه گویای یک حقیقت جامع است که در اعمال عبادی وجود دارد. آیه: ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ﴾<sup>۳</sup> به این حقیقت اشاره دارد که بندگی خدا را بکنید، نه طاغوت را.

خامساً، این که اعمال عبادی مثل دعا، نذر، رجا، خوف و غیر آن در صورتی عمل عبادی به شمار می‌آید که در آن‌ها عمل برای رضای خدا و قصد قربت انجام شود، اما این به این معنا نیست که اگر از غیر خدا چیزی را درخواست کردید یا از غیر خدا ترس داشتید، مشرک هستید؛ زیرا اعمال عبادی بر دو قسم‌اند: یک قسم از اعمال عبادی برای عبادت محض قرار داده شده‌اند و انجام آن برای غیر خدا شرک است، خواه قصد داشته باشید یا نداشته باشید؛ نظیر سجده، نذر و طواف (مقصود هفت شوط است) زیرا این‌گونه اعمال فقط برای عبادت خدا است و در غیر خدا موجب شرک می‌شود از این‌رو سجده باید در برابر خدا و کعبه باشد؛ چنان‌که نذر و طواف، با قید هفت شوط نیز برای غیر خدا موجب شرک است. البته گاهی در کنار قبور بزرگان یک شوط یا بیشتر به قصد تبرک انجام می‌شود که شرک نیست؛ زیرا طوافی عبادت است که با قصد هفت شوط باشد. نذوراتی که برای ائمه و اولیا انجام می‌شود، نذر صحیح فقهی نیست تا موجب شرک باشد، بلکه خیرات است و در راه خدا انجام می‌دهند؛ زیرا نذر عبارت است از تعهد و قرار داد بین خود و خدا و این نوع تعهد هرگز بین ما و اولیا قصد نمی‌شود و اگر نذر را به‌عنوان تعهد بین خود و اولیا قرار دهد، بلاشکال باطل و در صورت آگاه بودن موجب شرک است.

۱. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۲. صحاح اللغة، واژه طاعة، القاموس، واژه طاعة.

۳. سوره نحل، آیه ۳۶.

قسم دوم از اعمال آن است که برای عبادت قرار داده نشده است، بلکه هم می‌توان به‌عنوان عمل عبادی انجام داد و هم غیر عبادی؛ نظیر خوف، استغاثه، توسل، دعا و خواندن دیگران.

انجام دادن این‌گونه اعمال که به طور معمول بین تمام انسان‌ها وجود دارد، موجب شرک نمی‌شود. آیا ترس از قدرت مافوق بشر غیر از خداوند، خواندن و درخواست کمک از غیر خدا به صورت مطلق و استغاثه از غیر خدا شرک است؟ روشن است این نوع اعمال و اوصاف برای تمام مسلمانان بلکه حتی برای پیامبران الهی وجود داشته است؛ زیرا آنان از فرشتگان کمک می‌گرفتند. در قرآن درباره حضرت موسی می‌فرماید: ﴿وَلَهُمْ عَلَىٰ ذُنُوبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾<sup>۱</sup> و آنان برگردن من (به اعتقاد خودشان) گناهی دارند. می‌ترسم مرا بکشند! آیا ترس حضرت موسی از قدرت فرعون موجب شرک است؟ همچنین خداوند درباره استغاثه می‌فرماید:

﴿وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ  
يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعْتَنَهُ الْآدِي مِنَ  
شِيعَتِهِ عَلَىٰ الْآدِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ﴾<sup>۲</sup>

موسی وارد شهر شد و در حالی که اهالی آن در غفلت به سر می‌بردند، دو مرد را مشاهده کرد که زدوخورد می‌کردند، یکی از شیعیان او و دیگری از دشمنانش بود. آن کسی که از شیعیان موسی بود، درخواست کمک کرد تا به کمک او دشمن را دفع کند. موسی مشتکی بر او زد و کارش را ساخت.

آیا استمداد کسی که از پیروان حضرت موسی بود، از آن حضرت موجب شرک می‌شود؟ اگر شرک باشد، لازمه‌اش آن است که حضرت موسی به حمایت فرد مشرک برخاسته باشد. بنابراین صرف استمداد و خواندن غیر خدا، شرک به شمار نمی‌آید.

۱. سوره شعراء، آیه ۱۴.

۲. سوره قصص، آیه ۱۵.

آیا توسل به اسباب و وسائلی که خداوند در اختیار بشر قرار داده، موجب شرک است؟ بنابراین اگر جهت درخواست در این اعمال فقط درخواست کمک باشد، بدون این که به طرف شأن خدایی بدهد، شرک نخواهد بود. پس نظر صحیح در اعمال عبادی این است که نباید تمام اعمال را با یک نگاه بنگریم و نباید هر کس را که به صورت مطلق آنها را انجام دهد، مشرک بدانیم.

### ◆ نتیجه گیری

سه مطلب از سخنان ابن عبدالوهاب در رساله نخست کتاب *مجموعه التوحید* مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که سخنان وی افزون بر تکراری بودن در کتابها و رساله‌های مختلف، از پایه علمی و قرآنی برخوردار نیست؛ زیرا با بهره‌گیری از آنچه خود وی معتقد است، بی‌پایه بودن سخنان او ثابت می‌شود. نه قرآن و نه سنت، تقسیم سه‌گانه بودن توحید را اثبات می‌کند و نه آیات قرآن مباح شمردن جان و مال مخالفان فکری را روا می‌دارند که او در مطلب دوم به آن تصریح کرده بود و نه عبادت به معنای «تجرید الاخلاص لله و تجرید المتابعة للرسول» است. بنابراین تقلید کورکورانه از سخنان محمد بن عبدالوهاب جز گمراهی چیزی را در پی ندارد؛ زیرا اکثریت قاطع علمای مذاهب اسلامی تقلید در مسائل اعتقادی به‌ویژه در مسئله توحید را روا نمی‌دانند، بلکه خود انسان باید با تحقیق و مطالعه به آن اعتقاد برسد.